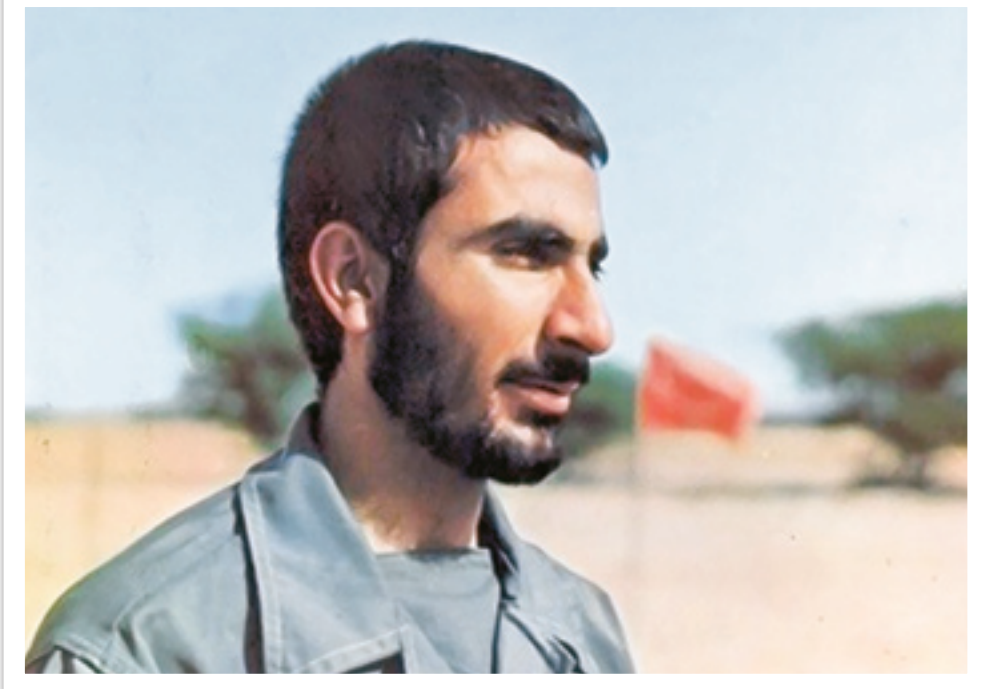


شهید میر قاسم میر حسینی و توصیف‌هایی که حاج قاسم سلیمانی درباره‌اش داشت

هیچ وقت در چهره شهید میر حسینی هراس ندیدم



چنین می‌گوید: «قاسم، بزرگ لشکر ۴۱ نارالله بود که واقعا من امروز در هر مأموریتی جای خالی او را می‌بینم. شهید میر حسینی در بُعد خودش در صحنه جنگ، تک بود. در مورد شهید میر حسینی هر چه بگویم احساس می‌کنم اصلا نمی‌توانم حق او را ادا کنم. خیلی روح بزرگی داشت و یک مالک اشتر به تمام معنا بود. من نمی‌دانم مالک هم در صحنه سخت محاصره جنگ مثل شهید میر حسینی بود یا نبود. شهید میر حسینی فرماندهای بود

چنین می‌گوید: «قاسم، بزرگ لشکر ۴۱ نارالله بود که واقعا من امروز در هر مأموریتی جای خالی او را می‌بینم. شهید میر حسینی در بُعد خودش در صحنه جنگ، تک بود. در مورد شهید میر حسینی هر چه بگویم احساس می‌کنم اصلا نمی‌توانم حق او را ادا کنم. خیلی روح بزرگی داشت و یک مالک اشتر به تمام معنا بود. من نمی‌دانم مالک هم در صحنه سخت محاصره جنگ مثل شهید میر حسینی بود یا نبود. شهید میر حسینی فرماندهای بود

روایتی از شهید یوسف قربانی از شهدای عملیات کربلای ۵ که برای آب نامه می‌نوشت

می‌گفت ما غواص‌ها مرغابی‌های امام زمان (عج) هستیم

یک گروهان بودیم شب اول عملیات بود. ما مسافت زیادی از دریاچه مصنوعی موسوم به آب گرفتگی در دشت شلمچه را با لباس‌های حضرت ولیعصر (عج) استان زنجان بود که در عملیات‌های ایسی - خاکی والفجر ۸ (پهن ماه ۱۳۶۴، منطقه اروندرود، فاو) و کربلای ۵ (دی ماه ۱۳۶۵، منطقه عمومی شلمچه) در مناطق پدافندی دشمن و در هم شکستن خطوط مستحکم نیروهای بعثی، در کسوت یک بسیجی غواص ضروری چشمگیر و نقشی تأثیرگذار داشت.

آب نامه‌ای برای آب...

مرز م شهید یوسف قربانی اینگونه روایت می‌کند و می‌گوید که هر روز می‌دیدم یوسف گوشه‌ای نشست و نامی می‌نویسد، با خود می‌گفتم یوسف که کسی را ندارد برای چه کسی نامه می‌نویسد؟ آن هم هر روز، یک روز گفتم یوسف نامه‌ات را ایست نمی‌کنی؟ دست مرا گرفت و قدم زنان کنار ساحل اردن برود نامه را از جیبش درآورد، پاره کرد و داخل آب ریخت چشمانش پر از اشک شد و آرام گفت من برای آب نامه می‌نویسم، کسی را ندارم....

و شهادتش

زمانیکه عملیات کربلای ۵ آغاز شد با هم



روی سنگ و اجر، نقاشی و کنده کاری می‌کرد که ناگهان یوسف برادرش را نیز در سانحه راندگی از دست داد.

بسیجی غواص

با پیروزی انقلاب اسلامی و سپری شدن دوران ستمشاهی، یوسف نیز همراه دیگر دوستداران امام و انقلاب راهی میدان شد و بعد از تشکیل بسیج وارد این نهاد مردمی شد. با آغاز جنگ تحمیلی یوسف در لشکرهای

آرمان شریف

شهید میر قاسم میر حسینی از نخستین لحظات ورودش به لشکر نارالله به یار و یاور سردار قاسم سلیمانی تبدیل شد. حاج قاسم تعاریف و تعابیر زیبایی در مورد ایشان به کار برده‌اند که با مرورش متوجه بزرگی و عظمت شهید میر حسینی می‌شویم.

■ ■ ■

شهید حاج قاسم میر حسینی، جانسپین و قائم‌مقام حاج قاسم سلیمانی در لشکر ۴۱ نارالله از شهدای کم‌نظیر و کمتر شناخته شده دوران دفاع مقدس است. او در سال ۱۳۴۲ در روستای صفدر میربیگ در نزدیکی شهر زابل به دنیا آمد و سال ۱۳۶۰ به عضویت سپاه پاسداران درآمد و در واحد پذیرش مشغول به خدمت شد و پس از چند ماه کار و تلاش صادقانه و خالصانه برای گذراندن دوره عالی برگزیده شد.

با شروع عملیات بیت‌المقدس میر حسینی به عنوان معاون یکی از گردان‌های عمل کننده در این عملیات شرکت کرد. سرانجام پس از آزادسازی و فتح خرمشهر برای دوره آموزش تکمیلی فرماندهی به تهران آمد و پس از فراگیری آموزش‌های لازم به تیپ ۴۱ نارالله پیوست.

شهید میر قاسمی در دوران جبهه زحمات زیادی برای پیشبرد عملیات‌ها کشید و چندین بار در عملیات‌های والفجر یک، خبیر و بدر مجروح شد. هم‌زمان شهید می‌گویند این سرباز گمنام امام زمان (عج) در عملیات والفجر ۳، سه‌شنبه روز چشم بر هم نگذاشت تا این عملیات را ساماندهی کند.

حاج قاسم سلیمانی درباره شهید میر قاسمی



خاطره

خاطره‌ای از عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگو با رزمنده لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)

گرفتن نونی شکل‌ها کار آدم‌های عادی نبود!

علیرضا محمدی

در عملیات کربلای ۵ لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. رزمندگان این لشکر که از شهرهای استان تهران بودند (آن زمان کرج هم جزو استان تهران به شمار می‌رفت) باید از منطقه شلمچه وارد عمل می‌شدند و پنج ضلعی را به تصرف در می‌آوردند. رضا سوری یکی از رزمندگان این لشکر است که در گفت‌وگو با ما خاطراتش را از این عملیات بیان می‌کند.

شیشه‌های گل آلود

در عملیات کربلای ۴ لشکر ۱۰ نوانست وارد عمل شود. چون ابتدا باید لشکرهای خط شکنی مثل ۱۴ امام حسین (ع)، انصارالحسین (ع) و المهدی وارد عمل می‌شدند و سپس ما در مرحله دوم به عمق نفوذ می‌کردیم، اما چون عملیات لو رفت، نیروهای ما هم وارد عمل نشدند. یادم است ما را اسوار خودروهایی کرده بودند که تمام شیشه‌های شان گل‌آلود شده بود. هیچ جایی معلوم نبود. بعد از کمی طی مسیر، بدون آنکه اقدام خاصی صورت دهیم به ما دستور بازگشت داده شد.

دریاچه ماهی

در مراحل بعدی ما باید از دریاچه ماهی عبور می‌کردیم. این دریاچه یک آبگرفتگی بود که ظاهراً توسط عراقی‌ها برای پرورش ماهی درست شده بود، به همین خاطر به آن دریاچه ماهی می‌گفتند، ولی بعد از شروع جنگ از آن به عنوان یک مانع در مقابل نیروهای ما استفاده می‌کردند. گردان ما باید وارد دریاچه می‌شد و از آن می‌گذشت. باید مخفیانه حرکت می‌کردیم، اما با وجود گذشت چند روز از شروع عملیات کربلای ۵، دشمن زمین و زمان را می‌کوبید و اجازه نمی‌داد منطقه که وسعت زیادی هم نداشت، روی آرامش ببیند. نمی‌دانم آنها از وجود ما در داخل آب دریاچه ماهی مطلع بودند یا همین طوری آنجا را می‌کوبیدند.

طرح مانور

البته در مدتی که ما بلا تکلیف بودیم، مسئولان بالاتر مثل کادر گردان و تیپ و لشکر، از انجام عملیات کربلای ۵ مطلع بودند، اما ما چیزی نمی‌دانستیم. به نظرم ۱۴ یا ۱۵ دی ماه بود که بچه‌های ما تجربه‌تر از تحرکاتی مثل طرح مانورها متوجه شدند که قرار است عملیات دیگری انجام شود. نهایتاً به صورت رسمی اعلام شد که عملیات دیگری در پیش داریم.

این‌بار باید در منطقه شلمچه وارد عمل می‌شدیم. برای شروع بچه‌های غواص به آبگرفتگی روبه‌روی شلمچه زدند، اما چون موفق نشدند، مجدداً از پهلو به دژ دشمن

جدول

			۳	۶	۱	۵		
							۱	۸
			۹	۴				
					۵	۸		
			۹	۲				
					۷	۳	۲	
			۴	۳	۹			
					۲	۵		
					۶	۱		۳

جدول سودوکو

ارقام ۹ تاراطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌درسه فقط یک‌بار

به کار روند

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۶۷۴

ب	ا	ا	۷	د	ا	س	۸	و
۸	س	د	ا	و	ا	ب	ا	۷
ا	۷	و	س	۸	ب	ا	د	ا
ا	ا	۸	ب	ا	د	۷	و	س
و	د	۷	۸	ا	س	ا	ب	ا
س	ب	ا	ا	۷	و	۸	ا	د
ا	۸	س	و	ا	۷	د	ب	ا
ا	۷	ا	د	۸	س	ا	ب	ا
د	و	ا	س	ا	ب	ا	۷	۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
م	ب	و	ر	ب	و	ر	ب	و	ر	ب	و	ر	ب	و
س	ف	ر	ا	د	ر	و	ا	ز	ه	ر	ا	ز	ه	ر
ا	س	ا	ل	م	د	ی	ر	د	ش	م	ن	س	م	د
ه	و	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش	م
ل	ز	و	ر	ا	ز	و	ر	ا	ز	و	ر	ا	ز	و
ع	ت	ر	د	س	ت	ی	ر	د	س	ت	ی	ر	د	س
خ	و	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش	م
ن	ا	و	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش
ا	ف	ظ	ل	ا	ع	ت	ر	ا	ز	ه	ر	ا	ز	ه
ش	ا	ه	ب	ی	س	ا	ب	ی	س	ا	ب	ی	س	ا
ن	ا	و	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش
ا	ت	ش	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش
ی	و	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش	م
ا	ت	ش	ی	ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش
ا	ل	م	ن	س	م	د	ی	ر	د	ش	م	ن	س	م

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۷۵

از راست به چپ

۱- قوی سپید گیلان - مدت‌های بسیار ۲- گلی زیبا- نوعی خوراک ایرانی- درختی همیشه‌سبز ۳- دریاچه خرم‌آباد- رأس- از درختان جنگلی شمال- تأخیر ۴- برخی از آن کره می‌گیرند- عکس‌العمل گلر - چرم دباغی نشده- دوری و فراق ۵- نان صبحانه- از اصول دین- نور اندک ۶- وارونه سو- مادر همه هنرها- نمایش خنده‌دار ۷- پرستار - خودپسندی - می ۸- بستنی بی چوب- فلز سرچشمه- از عربی - ویا ۹- همداستان عذرا- امنیت- بی دینی ۱۰- پشیمان- آسیب جسمی یا روحی- اندک ۱۱- تیره کوچک- آهسته آهسته- محل تلاقی زمین و آسمان ۱۲- دیوار گلی- مقابله به مثل کردن- خونپناه- ذات و شخص ۱۳- بین معج و آرنج دست- کیش و مذهب- صابون خیاطی- قدرت ۱۴- مقابل اول- در اتومبیل برق ضعیف را به قوی تبدیل می‌کند- رواندک ۱۵- قطار قدیمی که بین تهران و شهرری، در حرکت بود- لقب رستم دستان

از بالا به پایین

۱- نوعی غذای محبوب - نمداد شخصیتی ایالات متحده ۲- زبانه آتش- از ماهی‌های خزری - مرزبان ۳- یک حرف و سه حرف- روغن فروش- زندگی ۴- صد متر مربع- فاقد استحکام لازم- ضرورت ورزش تیراندازی- واحد اندازه‌گیری آب رودخانه ۵- خیابانی در مرکز تهران- دیرینگی- رود آرام ۶- برداشت محصول- مقابل اخص- دارای نقش و نگار ۷- از نتها- مادر داریوش- جهانگرد ونیزی ۸- سرمری پیشین آرنسانل- رود فرانسوی- لخت- بالا رفتن ۹- هر چیز بد و زشت - به یکدیگر خوشامد گفتن - حرف دهن کجی ۱۰- پیلوت - رشد - ورم عفونی ۱۱- برگ برنده- حاشیه کتاب- تصویر بزرگان دین ۱۲- تنه درخت- نستون خیمه- خیرگزاری اسپانیایی- کلمه شگفتی ۱۳- از تقسیمات قرآن - کاغذ نقشه برداری- ولی ۱۴- ناپاک شرعی - عقوبت فارچی دهان- دختر کتاب بینویان ویکتور هوگو ۱۵- شهری در گیلان - کشور ایروان